

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به شرح آیهی بعد وارد می‌شویم. «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>۱</sup> ما را به راه مستقیم هدایت کن.

امام صادق علیه السلام ذیل «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمودند: معنایش این است: «أَرْشِدُنَا لِلزُّومِ

الطَّرِيقِ الْمُوَدِّيِّ إِلَىٰ مَحَبَّتِكَ وَ الْمُبْلَغِ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَ جَنَّتِكَ وَ الْمَانِعِ مِنْ أَنْ نَتَّبِعَ أَهْوَاءَنَا فَنَعْطَبَ

أَوْ نَأْخُذَ بِأَرَائِنَا فَنَهْلِكَ»<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام فرمودند: معنای «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» این است:

خدایا مُرْشِدِ ما شو. دیده‌اید صوفیه مُرْشِدِی دارند که ارشادشان می‌کند. اینجا مُرْشِدِ خود

خداست. رئیس همه‌ی مُرْشِدِهای عالم خداست. آخر آیه‌ی «إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي»<sup>۳</sup> فرمود:

«لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ». خدا مُرْشِدِ است. عبد خدمت مُرْشِدِ خود رفته است و می‌گوید: «أَرْشِدُنَا

لِلزُّومِ الطَّرِيقِ الْمُوَدِّيِّ إِلَىٰ مَحَبَّتِكَ» خدایا ما را به راهی که آن راه به محبت تو منتهی می‌شود،

ارشاد کن؛ ما را دست‌گیری کن. «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» یعنی ما را به راهی راهبری کن که

به محبت و عشق خودت منتهی می‌شود. «وَ الْمُبْلَغِ إِلَىٰ رِضْوَانِكَ وَ جَنَّتِكَ» راهی که ما را به

رضوان و رضایت و بهشت‌های تو می‌رساند. «وَ الْمَانِعِ مِنْ أَنْ نَتَّبِعَ أَهْوَاءَنَا فَنَعْطَبَ» و راهی که ما

را از این‌که تبعیت و پیروی هوس‌های خودمان کنیم و در نتیجه‌ی آن نابود و هلاک شویم، باز

۱. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۶.

۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۴۹ و مجلسی، بحار، ج ۴۷، ص ۲۸.

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۶.

دارد. «أَوْ نَأْخُذْ بِآرَائِنَا فَتَنْهَلِكَ» یا راهی که ما را از این که به جای این که ببینیم تو چه می‌گویی، به تشخیص و فهم و رأی و نظر خودمان تکیه کنیم، باز می‌دارد. راهی که مانع اتکا کردن ماست به رأی و نظرات و سلیق شخصی خودمان که در نتیجه‌ی آن به هلاکت مبتلا می‌شویم. خدایا ما را به راهی هدایت کن که این‌گونه باشد؛ ما را به محبت و رضوان و جنات تو نایل کند و ما را از پیروی هوای نفس و آراء و نظرات و سلیق شخصی خودمان باز دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» یعنی این.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» یعنی «أَدِمِ لَنَا تَوْفِيقَكَ الَّذِي بِهِ أَطْعَمَكَ فِي مَاضِي أَيَّامِنَا حَتَّى نُطِيعَكَ كَذَلِكَ فِي مُسْتَقْبَلِ أَعْمَارِنَا»<sup>۴</sup> خدایا توفیقی را که به ما دادی که از رهگذر آن توفیق در گذشته‌ی روزگارمان اطاعت و عبادت تو را کردیم، آن توفیق را مداوم بدار، ادامه بده تا همان‌گونه در آینده‌ی عمرمان هم اطاعت و فرمان‌برداری تو را کنیم. این از «إِهْدِنَا».

صراط چیست؟ چند تا روایت بخوانم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: صراط، «هِيَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ»؛ صراط راه معرفت الله است؛ راه عرفان است؛ راه معرفت به خدا پیدا کردن است. بعد فرمودند: «وَهُمَا صِرَاطَانِ» دو تا صراط داریم: «صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَ صِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ» یک صراط و راه در دنیا و یک صراط در آخرت

<sup>۴</sup>. مجلسی، بحار، ج ۲۴، ص ۹ و صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۳.

«فَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ» صراط دنیا که طریق معرفت الله است، امامی است که اطاعت او واجب است؛ امام معصوم مُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ است. خود مُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ بودن عصمت را می‌رساند. یعنی استثناء ندارد؛ هر چه بگوید باید اطاعت کرد. در حالی که در مورد غیر معصوم استثناء دارد. «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»<sup>۵</sup> اما در مورد معصوم مطلقاً مُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ است. پس فرمود: صراط در دنیا همان امام مُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ است. امامی است که درست باید از ایشان اطاعت کرد. امام معصوم طریق‌المراد<sup>۱</sup> معرفت الله است. «مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهَدَاهُ مَرَّةً عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ» هر کس این امام معصوم را در دنیا شناخت، معرفه الامام، معرفه الحجة پیدا کرد؛ - این که معرفت امام چیست؛ آیا معرفت شخصی است؛ ظاهری است؛ جسمانی و بشری است؛ یا معرفت به نورانیت است؛ فعلاً بماند. وقتی به تفسیر عرفانی آیات رسیدیم، ان شاء الله اینها را می‌گوییم. - اجمالاً هر کس امام را در دنیا شناخت و به هدایت‌ها و راهبری‌ها و راهنمایی‌های ایشان اقتدا کرد، چنین کسی در روز قیامت از صراط آخرت که پلی بر روی جهنم است، به سلامت می‌گذرد. به تعبیری تجسم و صورت آخروی اطاعت از امام می‌شود عبور به سلامت از پل روی جنهم که انسان را به بهشت وارد می‌کند. «وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا» اما اگر کسی امام را در دنیا نشناخت؛ معرفت به امام پیدا نکرد؛ عارف به امام نشد؛ «زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ.»<sup>۶</sup> در

<sup>۵</sup> حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۰ و شریف رضی، نهج البلاغة، حکمت ۱۶۵.

<sup>۶</sup> مجلسی، بحار، ج ۲۴، ص ۱۱، و صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۲.

روز قیامت از پُلی که بر روی جهنّم کشیده می‌شود که صراطِ آخرت است و او می‌خواهد از آن عبور کند، قدمش می‌لغزد و از آن بالا به وسط جهنّم می‌افتد و نابود می‌شود. البته یعنی اسیر جهنّم می‌شود؛ چون نابودی و مرگ آنجا نیست. پس در «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» صراطِ مستقیم یعنی طریق معرفتِ الله؛ یعنی امام مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ؛ یعنی خدایا ما را به امام معصوم هدایت کن.

روایت دیگر؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام» صراطِ مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام است. بعد فرمودند: «وَالدَّلِيلُ عَلَى أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ»<sup>۷</sup>»<sup>۸</sup> امام صادق علیه السلام دلیل آوردند، فرمودند: دلیل این که صراطِ مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام است، سخن خدا در قرآن کریم است: «و هر آینه او در امّ الكتاب در نزد ما که خدا هستیم، علیّ حکیم است.» علیّ حکیم، نصّ به اسم امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن کریم است. بنابراین صراطِ مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام امام مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ است. یا در روایات داریم که ائمه علیهم السلام فرمودند: صراطِ مستقیم ما علیهم السلام صراطِ دنیا تشیع و پیروی امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام است؛ صراطِ آخرت هم راه امیرالمؤمنین علیه السلام است که راه مستقیم مؤمنین به بهشت است.

<sup>۷</sup>. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۴.

<sup>۸</sup>. مجلسی، بحار، ج ۲۴، ص ۱۱ و صدوق، معانی الآخبار، ص ۳۲.

<sup>۹</sup>. مجلسی، بحار، ج ۲۴، ص ۱۲ و صدوق، معانی الآخبار، ص ۳۵.

در روایات خصوصیاتِ هم برای صراط آمده است؛ «أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدُّ مِنَ السَّيْفِ»<sup>۱۰</sup> از مو باریک‌تر و از لب شمشیر تیزتر و برنده‌تر است. راه ولایت بسیار دقیق و ظریف است. افراد این صراط راه، یعنی صراط تبعیت و پیروی از امام را متفاوت طی می‌کنند؛ بعضی‌ها درست، کامل، تمام‌عیار، با سرعت، با اهتمام تمام؛ بعضی‌ها هم شل‌شُلکی، یک خط در میان، کمی از امام و کمی از ضدّ امام تبعیت می‌کنند. افراد در دنیا متفاوتند. همین‌ها در آخرت ظهور می‌کند. در روایات داریم بعضی افراد در روز قیامت مثل برق خاطف، برق جهنده از پل صراط به سلامت و به سرعت عبور می‌کنند و وارد بهشت می‌شوند. برق زدن، جرقه چقدر زمان می‌برد؟ بعضی‌ها مثل کسی که سوار اسب تندرویی است و مسیری را طی می‌کند، این به سرعت برق خاطف نیست اما باز سریع می‌رود. بعضی‌ها پل صراط را پیاده طی می‌کنند تا به بهشت برسند. بعضی‌ها روی شکمشان، چهار دست و پا از روی پل صراط عبور می‌کنند تا به بهشت برسند. روایات می‌گویند بعضی‌ها هم معلقند و به پل آویزانند؛ گاهی اوقات هم شعله‌های دوزخ می‌آید و آنها را می‌گیرد و می‌سوزاند؛ بعضی وقت‌ها هم رهایشان می‌کند. اینها صورت‌های قیامتی نوع پیروی و اقتدای به امام معصوم علیه‌السلام در دنیا است. باز در روایات داریم؛ صراط تاریک است و هر یک از انسان‌ها به اندازه‌ی نور خود می‌تواند ببیند و روی صراط راه را طی کند.

این نکته را هم درباره‌ی این که امام صراط است؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام صراط است؛ عرض کنم. صراط مسیر تحولات انسان است. یک سری تحولات جسمانی داریم؛ نطفه، عَلَقَه، مُضْغَه، عِظَام، «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» تا کم‌کم «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»<sup>۱۱</sup> و بعد از چند ماه هم متولد می‌شود و

<sup>۱۰</sup>. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۱۲ و صدوق، أمالی، ص ۱۷۷.

<sup>۱۱</sup>. سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۱۴.

طفل نوزادی می‌شود و این نوزاد هم از نظر جسمی رشد می‌کند. این مسیر و صراط تحولات جسمانی و مادی بشر است. یک صراط تحولات روحانی هم داریم؛ یعنی انسان از نظر روحی مسیری را طی می‌کند. صراط تحولات جسمانی در اختیار ما نیست؛ اما صراط تحولات روحی ما به اختیار ماست که از کدام راه برویم. مسیر تغییرات فکری، تغییرات اعتقادی، تغییرات اخلاقی، تغییرات روحیه‌ای ما از اوّل تا آخر عمرمان، صراطی است که ما در دنیا طی کرده‌ایم. پس صراط، مسیر تحولات یک انسان در طی زندگیش است. اگر انسان در مسیر شایستگی‌ها، کمالات و آنچه زببنده‌ی حقیقت و مقام انسانی به عنوان گل سرسبد مخلوقات است قدم نهاد و تحولاتش را این‌گونه طی کرد، این مسیر، صراط مستقیم می‌شود. اگر تغییر و تحولاتش خلاف آنچه زببنده و سزاوار مقام و منزلت انسانی است، یعنی به سمت حیوانیت، به سمت بهیمیت، به سمت سبّعیّت و به سمت شیطنت سوق پیدا کرد، او هم صراطی طی کرده است؛ اما آن صراط، صراط مستقیم نیست. صراط مُعَوَج و منحرف است. پس صراط، مسیر تحولات انسان است. لازم نیست صراط یک مسیر فیزیکی باشد که بگوییم مثلاً طولش دو متر است. تغییرات و تحولاتی که هر انسان در طول زندگیش از لحاظ روحی، فکری، اخلاقی، اعتقادی، رفتاری و امثال اینها پیدا می‌کند، این مسیر تحولات، صراطی است که او طی کرده است. لذا صراط مستقیم امام است. لذا صراط مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام است. چون مسیر تحولات امیرالمؤمنین علیه السلام در اوج قلّه‌ی بروز و شکوفایی کمالات انسانی است. یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام به آنچه زببنده‌ی حقیقت انسانی است، عمل کرده است. لذا وجود امیرالمؤمنین علیه السلام مظهر و مصداق صراط مستقیم است. لذا روایات فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام صراط مستقیم است. پس

صراط مسیر تغییرات و تحولات انسان در طول زندگیش، در همه‌ی ابعاد روحانی و شخصیتی‌اش است.

در عالم صراطی است. جماد به گیاه تبدیل می‌شود. گیاه به حیوان تبدیل می‌شود. حیوان به بشر تبدیل می‌شود. به اعتبار جنبه‌ی نفسانی و جسمانی، انسان بشر خوانده می‌شود. این یک صراط مستقیم است؛ یعنی تا اینجا درست آمد. راه مستقیم طی شد؛ یعنی تبدیل شدن جماد به گیاه، گیاه به حیوان و حیوان به بشر، که بشر انسان بالقوه است؛ بذر انسان است نه خود انسان. اگر این بذر درست بروید و شکوفا شود و بالنده شود، انسان به وجود می‌آید. ولی خیلی‌ها ممکن است بشر باشند، ولی انسان نباشند؛ و خیلی‌ها هم ممکن است انسان باشند و انسان کامل نباشند. تا بشر مسیر به صورت قهری و جبری طی شد. از بشر تا انسان کامل است که انسان می‌تواند مسیر را اختیاری طی می‌کند. اگر انسان کامل شد، صراطی را که در دنیا طی کرده است، صراط مستقیم است. «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» یعنی این. یعنی ما را به این مسیر هدایت و راهبری و راهنمایی کن. هر تعبیری که به کار می‌برید. چون هدایت معانی مختلفی دارد؛ هم ایصال الی المطلوب است؛ یعنی رساندن فرد به مقصدش؛ هم ایصال الی الطریق است؛ یعنی شخصی که از راه بیرون است؛ از شما آدرس می‌خواهد؛ می‌گوید می‌خواهم بروم فلان جا. می‌گویید بیا. دستش را می‌گیرید، می‌برید در جاده‌ای؛ می‌گویید این جاده را مستقیم طی کن، می‌رسی به همان جا. این ایصال الی الطریق است. یک وقت هم فقط آدرس را می‌دهی؛ راهبری نمی‌کنی؛ راهنمایی می‌کنی؛ آدرس را نشان می‌دهی. می‌گویی باید بروی فلان خیابان، آن خیابان را که طی کنی، به جایی که می‌خواهی می‌رسی. این راهنمایی است. آن دو راهبری است. یک وقت هم کسی در مسیر هست، منتها می‌خواهد ادامه‌ی مسیر دهد؛

آن را در مسیر درست هدایت می‌کنی. مثل اتومبیلی که پشت فرمانش نشسته‌ای؛ رانندگی می‌کنی، به‌گونه‌ای که این اتومبیل منحرف نشود؛ از جاده پرت نشود؛ در درّه نیفتد؛ مسیر درست را برود؛ این درست ادامه‌ی مسیر دادن است؛ این دوام در طی صراط و مسیر است. اینها تعبیر مختلف هدایت است. صراط مستقیم، صراط شکوفایی همه‌ی استعدادهای نهفته در وجود انسان است.

به نکته‌ی دیگری در رابطه با «**إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**» اشاره کنم. این که در مقام درخواست هدایت، طلب‌کارانه با خدا حرف نمی‌زند؛ گله‌مندانه با خدا حرف نمی‌زند. چون ما گاهی از خدا چیزی می‌خواهیم؛ می‌گوییم خدایا این چه وضعش است؟ چرا فلان چیز را به من ندادی؟ از دست خدا دلخوریم. بعضی وقت‌ها از خدا طلب‌کاریم؛ چرا فلان چیز را به من ندادی؟ اما کسی که می‌گوید «**إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**»، نه گله‌مندانه با خدا طرح نیاز می‌کند، نه طلب‌کارانه از خدا درخواست می‌کند. بلکه مؤدبانه می‌گوید: خدایا آن نعمتی را که داده‌ای، تکمیل کن. تعبیر این است؛ «**رَبَّنَا أَتْمِمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ**»<sup>۱۲</sup> خدایا نعمتی را که از پیش دادی، تمام و کامل کن. «**فَفِي شَوَاهِدِ آيَاتِ الْكَرِيمِ تَطْمِئِنُ نِعْمَاتِهِ**» از مظاهر لطف و عنایات شخص کریم، این است که نعمتی را که داده است، کامل کند و به سر حدّ کمال برساند. «**رَبَّنَا مِنْكَ الْأَكْرَامُ فَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِالْإِتْمَامِ**» خدایا اکرامی که ما مورد آن قرار گرفتیم، از جانب تو بود؛ تو بر ما کرم کردی. حال که این‌گونه است، پس با به حدّ نهایت رساندن آن، با اتمام این نعمت، کرم خود را بر ما کامل کن. خدایا ما را به اسلام، به قرآن، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدایت کردی؛ چون کسی که نماز می‌خواند، کسی که

<sup>۱۲</sup>. ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۴۷ و مجلسی، بحار، ج ۸۷، ص ۱۰۹.



سوره‌ی حمد را می‌خواند، تا اینجاها آمده است؛ خدایا ما را در مسیر عالم تکوین از جماد به مقام بشری رساندی؛ در بین بشر هم ما را هدایت کردی، به اسلام، به پیغمبر ﷺ، به قرآن کریم رساندی؛ از این به بعد راه هم ما را برای ادامه‌ی راه ثابت قدم بدار. این لطفی را که کرده‌ای، تمام کن. «أَلْإِكْرَامُ بِالْإِتْمَامِ». ما را به نتیجه‌ی نهایی برسان. ما به لطف تو تا نیمه‌ی راه آمده‌ایم، نیمه‌ی دیگر راه هم لطفت را شامل حال ما کن که بتوانیم به مقصد قُصُوا و مقام اعلای انسانیت راه پیدا کنیم. این‌گونه از خدا درخواست می‌کند. و این ادب دعاست؛ ادب درخواست است. درخواست و دعای طلب‌کارانه و بی‌ادبانه و گله‌مندانه، خلاف ادب صحبت کردن با خدای متعال است؛ خدایی که «رَبُّ الْعَالَمِينَ» است؛ خدایی که رحمان و رحیم است؛ خدایی که «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است؛ خدایی که الله است؛ خدایی که محبوب و معبود است. این‌گونه بگوییم: تا اینجا که لطف شما بوده است، ما خودمان نیامده‌ایم؛ اکنون که این لطف را کرده‌ای، شما که کریمی، «أَلْإِكْرَامُ بِالْإِتْمَامِ»، بقیه‌اش را هم لطف کن ما را ببر. این هم نکاتی بود درباره‌ی «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ